

۱۲- منظور از روش قوم نگاری مورد استفاده پژوهشگران چیست؟ در این روش، پژوهشگر برای مدتی با قومی که قصد تحقیق درباره آنها را دارد، زندگی می کند؛ خود را در شرایط فرهنگی آن قوم قرار می دهد و کنش هایشان را تجربه می کند تا آنها را بهتر بشناسد.

۱۳- با ذکر مثال توضیح دهید در چه شرایطی یک محقق از روش مطالعه موردی استفاده می کند؟ اگر محقق بخواهد تمامی ابعاد یک پدیده اجتماعی خاص مثلاً یک فرد، یک نهاد اجتماعی یا یک فرهنگ را مطالعه کند و عمق پنهان و منحصر به فرد بودن آن را نشان دهد، از این روش استفاده می کند. برای مثال یکی از جامعه شناسان برای تحقیق درباره بیمارستان روانی به عنوان یک نهاد اجتماعی و اثر آن بر بیماران، ماه ها به عنوان کارمند در یک بیمارستان روانی مشغول به کار شد و از طریق مشاهده مشارکتی به تحقیق پرداخت.

سوالات درس ششم جامعه شناسی (۳)

۱- جایگاه ارزشهای سه گانه قدرت، ثروت و دانش در دستیابی به سعادت و کمال حقیقی بیان کنید؟ انسان همواره سه گانه قدرت، ثروت و دانش را ارزشهای واسطه ای و پیش نیازهای دستیابی به سعادت و کمال حقیقی می دانست، از این رو همه آنها را خوب و خیر می دید.

۲- انسان در مقایسه ارزش های سه گانه قدرت، ثروت و دانش در دستیابی به سعادت چگونه ارزیابی می کند؟ معمولاً دانش را کاملاً مثبت (خیر و خوب)، ثروت را خاکستری (نه خوب و نه بد) و قدرت را بیشتر منفی (بد) ارزیابی می کرد.

۳- دیدگاه عده ای در دوره ی اخیر در غرب در باره ارزیابی های اخلاقی ارزشهای سه گانه قدرت، ثروت و دانش را بیان کنید؟ در دوره اخیر، در گوشه ای از دنیا، برخی مدعی شدند، ارزیابی های اخلاقی و نگاه وسیله ای به قدرت و ثروت، دست و پا گیر بوده و مانع توسعه آنها شده است. پس از آن، قدرت و ثروت دیگر مورد داوری اخلاقی قرار نرفتند تا با توسعه و گسترش آنها، زمینه آسایش و آرامش بشر فراهم شود. دانش نیز به علوم تجربی (ابزاری) محدود شد و برای نیل به همان هدف به خدمت گرفته شد.

۴- در کنار نتایج خیره کننده توسعه ی ارزشهای سه گانه قدرت، ثروت و دانش چه پیامدهایی ناخوشایندی به دنبال داشته اند؟ در کنار نتایج خیره کننده و شگرف توسعه قدرت و ثروت، پیامدهای دیگری همانند فقر، نابرابری، سرکوب، جنگ و تخریب طبیعت و... نیز ظاهر شدند.

۵- پیامدهای ناخوشایند ارزشهای سه گانه قدرت، ثروت و دانش چه واکنش هایی برانگیخت؟
نخستین واکنش به ثروت نشان داده شد. ثروت دیگر نه یک امر خنثی (نه خوب و نه بد) بلکه ریشه بسیاری از ظلمها و شرارتها قلمداد شد و مالکیت، دزدی خوانده شد.

واکنش شدید بعدی به دانش نشان داده شد و خوشبینی به دانش نیز مورد تردید جدی قرار گرفت. تا پیش از این، منازعات بر سر قدرت و ثروت را به قضاوت دانش می سپردند ولی حالا دیگر، خود دانش نیز مورد نزاع و کشمکش بود؛ یعنی دانش دیگر راهنمای ما به سوی سعادت نبود بلکه، به همراه قدرت و ثروت، رو به تاریکی و ظلمت می نهاد.

۶- منظور از قدرت چیست؟ موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است.

۷- چرا انسان کنشگری قدرتمند است؟ انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با آگاهی و اراده انجام می دهد، کنشگری قدرتمند است

۸- آیا انسان قادر به تأمین همه ی نیازهای خود است؟ قدرت فردی انسان محدود است. او نمیتواند همه ی نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و برای تأمین برخی از نیازهای خود، به کمک دیگران احتیاج دارد.

۹- منظور از قدرت اجتماعی چیست؟ چه کسانی از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند؟ قدرت اجتماعی هنگامی پیدا می شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد. کسانی که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند.

۱۰- آیا صرفاً افراد دارای قدرت اجتماعی اند؟ علاوه بر افراد، نهادها، سازمانها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند

۱۱- شرط مهم تحقق قدرت اجتماعی چیست؟ پذیرش و توافق دیگران شرط مهم تحقق قدرت اجتماعی است؛ یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آنها خواسته می شود، عمل کنند.

۱۲- تنها راه تأثیر گذاردن بر اراده ی دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی ایشان چیست؟ جلب تبعیت آنهاست.

۱۳- جلب تبعیت دیگران به چند صورت ممکن است؟ هر کدام را توضیح دهید؟ جلب تبعیت دیگران به دو صورت ممکن است:

الف- تبعیت با کراهت؛ تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد

ب- تبعیت با رضایت؛ تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است.

۱۴- در چه صورتی قدرت دارای مقبولیت است؟ قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می آید، دارای مقبولیت است

۱۵- اقتدار چیست؟ قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد، «اقتدار» نامیده می شود.

۱۶- منظور از مشروعیت قدرت چیست؟ مشروعیت قدرت به این معناست که قدرت مطابق یک نظام عقیدتی و ارزشی اعمال شود.

۱۷- چه تفاوتی بین مدار مقبولیت و مدار مشروعیت وجود دارد؟ مدار مقبولیت، خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آنها اعمال میشود، اما مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است.

۱۸- انواع قدرت مشروع را بیان کرده و توضیح دهید؟

مشروعیت حقیقی: اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد، مشروعیت حقیقی دارد،

مشروعیت دروغین: اما اگر موافق با ایدئولوژیهای ساختگی بشری باشد، مشروعیت دروغین دارد.

۱۹- اشکال مختلف همراهی و عدم همراهی مقبولیت و مشروعیت حقیقی را بیان کنید.

الف- اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد، قدرت هم مشروعیت حقیقی دارد و هم مقبولیت اجتماعی.

ب- هنگامی که قدرت برخلاف حکم و قانون الهی باشد اما تبعیت از آن، از روی رضایت باشد، قدرتی مقبول ولی غیر مشروع وجود دارد.

۲۰- منظور از قدرت سخت و قدرت نرم چیست؟ قدرت سخت، قدرتی است که از طریق ابزارهای خشن، با زور و به طور آشکار، توسط نهادهای

نظامی اعمال می شود، اما قدرت نرم به شکل پنهان و از طریق نفوذ فرهنگی، با کمک ابزارهایی مانند رسانه ها و نهادهای آموزشی اعمال می شود

۲۱- روشها و ابزارهای اعمال قدرت نرم و قدرت سخت مقایسه کنید؟

نوع قدرت	روش	ابزار
سخت	از طریق زور و به طور آشکار	نهادهای نظامی
نرم	از طریق نفوذ فرهنگی شکل پنهان	رسانه ها و نهادهای آموزشی

۲۲- پیامد قدرت سخت یک کشور در گذشته و قدرت نرم در عصر حاضر بیان کنید؟ در گذشته قدرت سخت یک کشور موجب سلطه ی سیاسی و اقتصادی بر سایر کشورها می شد، اما امروزه قدرت نرم سبب سلطه ی فرهنگی می شود

۲۳- چه تفاوتی بین نبرد دولت ها در گذشته و امروزه وجود دارد؟ در گذشته نبرد بین دولتها در قلمرو سرزمینی و با ابزار نظامی صورت می گرفت و رسانه ها خبر آن را منتشر می کردند، اما امروزه نبرد در حوزه فرهنگ و با ابزار رسانه صورت می گیرد و درگیری نظامی، اگر اتفاق بیفتد در ادامه ی جنگ فرهنگی رخ می دهد

۲۴- عنوان انقلاب های رنگین به چه انقلاب هایی اطلاق می شود؟ انقلابهایی که با استفاده از قدرت نرم رسانه ها درصدد براندازی حکومت های مخالف غرب برآمدند، انقلاب های رنگین نام گرفتند.

۲۵- منظور از سیاست چیست؟ هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان یابد، «سیاست» پدید میآید؛ یعنی سیاست، اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدف است

۲۶- منظور از نظام سیاسی چیست؟ مجموعه ی سازوکارهایی که برای اعمال سیاست های جهان اجتماعی وجود دارد، به «نظام سیاسی» شکل می دهد

۲۷- با چه ملاکهایی می توان نظام های سیاسی را دسته بندی کرد؟ الف- براساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم گیرنده براساس روش تصمیم گیری ب)- براساس روش تصمیمگیری

۲۸- بر اساس تعداد افراد تأثیر گذار و تصمیم گیرنده نظام های سیاسی به چند دسته تقسیم می شود؟

الف- نظام هایی که در آن یک فرد حاکم است و تصمیم می گیرد .

ب- نظام هایی که در آن اقلیتی تصمیم گیرنده هستند.

پ- نظام هایی که در آن اکثریت مردم در سر نوشت سیاسی خود تأثیر گذارند

۲۹- بر اساس روش تصمیم گیری نظامهای سیاسی به چند دسته تقسیم می شود؟

الف- نظامهایی که در آن، حاکم یا حاکمان براساس اهداف و اغراض و امیال خود تصمیم می گیرند؛ یعنی هر نوع تصمیمی را برای خود جایز می دانند.

ب- نظامهایی که در آن، حاکم یا حاکمان براساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازین عقلی تصمیم میگیرند.

۳۰- ارسطو بر اساس تعداد افراد و روش تصمیم گیری از چند نوع حکومت نام می برد؟ ارسطو از این دو ملاک برای دسته بندی نظامهای سیاسی

استفاده کرده و از شش نوع حکومت نام برده است. در سه نوع از این نظامهای سیاسی یک فرد، اقلیت یا اکثریت بر مدار خواسته ها و تمایلات شان بر جامعه حکومت می کنند و در سه نوع دیگر، حکومت یک فرد، اقلیت یا اکثریت بر اساس حقیقت و فضیلت استوار است

دسته بندی نظامهای سیاسی از نظر ارسطو

روش حکومت	بر اساس فضیلت	بر اساس خواست و میل حاکم
فرد	موناشری	استبدادی
اقلیت	آریستوکراسی	الیگارشی
اکثریت	جمهوری	دموکراسی

(۳۱) - فارابی چه نوع ملاکهای برای دسته بندی نظام های سیاسی مطرح می کند؟

الف) - ملاک دین مداری: نظام سیاسی دینی و دین مدار براساس احکام و قوانین الهی سازمان می یابد.

ب) - ملاک دنیامداری: نظام سیاسی دنیامدار فقط ارزشها و آرمانهای دنیوی و این جهانی را مورد توجه قرار می دهد

(۳۲) - منظور از واژه لیبرالیسم چیست؟ لیبرالیسم به معنای مباح دانستن همه ی امور برای انسان است

(۳۳) - منظور از واژه دموکراسی چیست؟ و دموکراسی به معنای حاکمیت اکثریت مردم براساس خواست و میل خودشان است.

(۳۴) - لیبرال دموکراسی به چه نوع نظام سیاسی اطلاق می شود؟ لیبرال دموکراسی نوعی نظام سیاسی است که ادعا می کند با خواست و اراده

اکثریت مردم شکل می گیرد و هیچ حقیقت و فضیلتی را که مستقل از خواست مردم باشد، به رسمیت نمی شناسد، همچنین حکومتی دنیوی و سکولار است.

(۳۵) - نظام لیبرال دموکراسی با چه نوع جامعه ای سازگار است؟ این نظام سیاسی با فرهنگ جهان غرب که رویکردی دنیوی به جهان

هستی دارد، سازگار است

(۳۶) - مهمترین ارزشهای اجتماعی لیبرال دموکراسی را بیان کنید؟ آزادی را مهمترین ارزش اجتماعی می داند. توسعه، ثبات، رفاه،

سلطه بر طبیعت و بر جهان از دیگر ارزشهای مهم در این نظام سیاسی هستند.

(۳۷) - در کدام نوع نظام سیاسی فقط می توان از مقبولیت نظام حرف زد؟ لیبرال دموکراسی

(۳۸) - منظور از عنوان جمهوری و اسلامی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی چیست؟ عنوان جمهوری در این ترکیب به این معناست که مردم

جامعه، خودشان سرنوشت سیاسی خود را تعیین می کنند و کلمه ی اسلامی نشان دهنده این است که فعالیت مردم و نظام سیاسی بر اساس عقاید و ارزشهای اسلامی سازمان پیدا می کند.

(۳۹) - نظام جمهوری اسلامی به چه نوع نظام سیاسی اطلاق می شود؟ در این نظام سیاسی، قوانین و مقررات با خواست مردم و براساس احکام الهی و

اسلامی تعیین می گردند. به علاوه ارزشهای سیاسی و همچنین قوانین و مقررات اجتماعی با عقل و وحی شناخته و معین می شوند، مردم نیز مسئولیت شناخت و اجرای آنها را برعهده دارند

(۴۰) - کنش سیاسی و استفاده از قدرت با چه مقاصدی انجام می شود؟ کنش سیاسی و استفاده از قدرت، یا به قصد تغییر وضع موجود انجام می شود

یا با هدف حفظ آن. اگر تمایل به حفظ وضع موجود باشد، هدف پیشگیری از تغییر است. هرگاه تمایل به تغییر وجود داشته باشد، هدف ایجاد وضعیت بهتر است.

(۴۱) - مهمترین هدف ما در زندگی چیست ؟ مهمترین هدف ما در زندگی دستیابی به فضیلتهای انسانی و سعادت همگان است.

(۴۲) - فعالیتهای سیاسی باید در جهت دسترسی به چه هدفی باشد؟ فعالیتهای سیاسی باید در جهت دسترسی به جامعه خوب برای دستیابی به

فضیلتهای انسانی و سعادت باشند

(۴۳) - چرا ضروری است تا امور سیاسی (نظام های سیاسی) ارزیابی کنیم؟ امور سیاسی، مورد تأیید یا رد، انتخاب یا طرد، ستایش یا نکوهش انسانها قرار میگیرند؛ یعنی امور سیاسی خنثی نیستند. به علاوه این امور از انسانها اطاعت، وفاداری و تصمیم میخوانند بنابراین لازم است که آنها را براساس ملاکهای ارزیابی کنیم

(۴۴) - با ذکر مثال توضیح دهید چه تفاوتی بین نظم حاکم بر طبیعت و نظم اجتماعی (حاکم بر جوامع و فرهنگ ها) وجود دارد؟

طبیعت یک نظم جهانشمول دارد؛ یعنی قوانین طبیعت در همه مکانها و زمانها یکسانند، از اینرو نتایج مطالعه بر روی طبیعت در هر مکان و زمانی میتواند به تمامی مکانها و زمانها تعمیم داده شود .

ولی جوامع و فرهنگها همانند طبیعت نیستند و ما نمیتوانیم نتایجی را که از مطالعه و بررسی یک جامعه به دست آوردهایم به همه ی جوامع دیگر تعمیم بدهیم مثلاً نمی توانیم نتایجی را که از مطالعه ی جوامع غربی به دست می آوریم به جوامع دیگر که با جهان غرب تفاوت دارند، تعمیم دهیم

(۴۵) - راه حل های پیشگیری مشکل عدم تعمیم نتایج مطالعه جوامع غربی به جوامع غیر غربی چیست؟ خطا و مشکلات هر کدام را بیان کنید؟ الف -)

باید سایر جوامع و فرهنگها را نیز مطالعه و بررسی کنیم. اما در اینجا هم امکان دارد، مرتکب خطای دیگری شویم و آن اینکه در مطالعه ی سایر جوامع و فرهنگها، به معانی فرهنگی آنها توجه نکنیم و آنها را از منظر غرب مطالعه کنیم و معنای پدیده های اجتماعی در آن فرهنگها را به درستی دریافت نکنیم برای جلوگیری از این خطا باید بکوشیم جوامع و فرهنگهای دیگر را از منظر خودشان مطالعه کنیم؛ یعنی با رویکرد تفهیمی - تفسیری به بررسی آنها پردازیم. در این صورت با مشکل دیگری مواجه میشویم؛ تعدد و تنوع فرهنگها و جوامع معاصر و قدیمی، علوم اجتماعی را درگیر مطالعات پایان ناپذیر و تمام نشدنی می سازد. علاوه بر این فرهنگهای مختلف معمولاً به مرزهای خودشان محدود نمی مانند و ما را ناگزیر از مقایسه ارزشها برای تشخیص ارزشهای صحیح از ارزشهای غلط میسازند. ولی وقتی علوم اجتماعی برای مطالعه هر فرهنگ مجبور باشد که آن فرهنگ را فقط از منظر مردمی که آن را پذیرفته اند، ببیند و بررسی کند، امکان مقایسه و داوری فرهنگها و ارزشها از دست میرود

(۴۶) - چرا جامعه شناسی پوزیتیویستی ارزش های انسانی را قابل مطالعه علمی نمی داند؟ بیان کنید چگونه به مطالعه قدرت می پردازد؟

جامعه شناسی پوزیتیویستی با منحصر کردن علم به علوم تجربی، ارزشهای انسانی را قابل مطالعه ی علمی نم یاند؛ از اینرو با ارزش زدایی و معنازدایی از قدرت، آن را به عنوان یک پدیده خنثی و فاقد معنا، مطالعه می کند.

(۴۷) - جامعه شناسی تفهیمی چگونه به مطالعه امور سیاسی می پردازد؟ جامعه شناسی تفهیمی نیز اگرچه امور سیاسی را پدیده هایی معنادار و ارزشی میداند، اما تا جایی که همانند جامعه شناسی پوزیتیویستی، فقط روش تجربی را علمی و معتبر بشناسد، جامعه شناس را قادر به داوری درباره ارزشها نمی داند .

جامعه شناسان تفهیمی - تفسیری هم صرفاً به توصیف ارزشها و نظامهای سیاسی بسنده می کنند و ملاک و معیاری برای ارزیابی علمی آنها ارائه نمی دهند؛

(۴۸) - ماکس وبر در مطالعه جوامع غربی این جوامع را دچار چه نوع بحرانی می داند؟ آیا ایشان راه حلی برای این بحران ارائه می دهد؟

ماکس وبر در مطالعه جوامع غربی، این جوامع را دچار «بحران اراده» و «بحران معنا» می بیند ولی معتقد است هیچ راه حل علمی برای این مشکلات و برون رفت از آنها وجود ندارد

ان شاء الله بقیه سوالات در آینده نزدیک جهت ملاحظه همکاران عزیز تقدیم خواهیم کرد

ارادتمند همه عزیزان

محمد سوری

۹۷/۸/۵
۲۰۱۷